



رونالدو علیہ مسی و یوفا

ستاره پرتغالی در جدیدترین مصاحبه‌اش از خجالت مسی و لیگ آمریکا در آمد؛ آن هم در شرایطی که النصر عربستان در اولین بازی دوستانه‌اش در اردوی پیش فصل مقابل سلتا هتایی شد

۱۶

بازار شماره یک

درباره جایه جایی دروازه بان‌ها در لیگ برتر و تیم‌هایی که آسماں شماره یک‌های خودشان را جایه جا کردند، چند تیم لیگ برتری، دروازه بان‌های اول خود را تغییر دادند اما این تغییرات به ۳ تیم بالای جدول نرسید و از تیم چهارم آغاز شد

۱۴

همیشه در فوتبال

چهارشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۲ | ۱۴ مرداد ۱۴۴۵ | سال سی و یکم - شماره ۸۸۳۳

سوزه روز

دستمزد حلزونی!

قرار داد بازیکنان و مربیان فوتبال ایران، رابطه کاملا مستقیمی با تورم دارد، اما رقم دریافتی داورها همیشه با سرعت حلزون رشد می‌کند. فدراسیون وعده داده که دستمزد داوران را در فصل جدید برای هر مسابقه به ۵ میلیون تومان برساند؛ رقمی که موجب می‌شود دآوری در فوتبال ایران همچنان یک «شغل» تلقی نشود. این دستمزد پایین البته تنها مشکل جدی داورها در فوتبال ایران نیست و در این زمینه، مشکلات بسیار بزرگ‌تری هم وجود دارد.



066

روز مانده تا بازی‌های آسیایی



016

روز مانده تا لیگ برتر



024

روز مانده تا لیگ برتر



024

روز مانده تا لالیگا



025

روز مانده تا لیگ یک



031

روز مانده تا بوندس لیگا



032

روز مانده تا سری آ



آوار بی‌تدبیری

وجه مشترک از دست دادن مهدی قائدی و محمد محبی سو مدیریت مدیران قبلی استقلال بوده است؛ فاجعهای که تبعاتش همچنان متوجه آبی‌ها خواهد بود



۶۰ میلیون؛ خلاص!

لیگ برتر ۳۰ هفته است و داورها به‌طور معمول یک هفته در میان قضاوت می‌کنند. تعداد قضاوت‌های بهترین داوران لیگ حتی به عدد ۱۵ هم نمی‌رسد. فصل گذشته بیژن حیدری، امیر عرب برقی و موعود بنیادی‌فر به‌عنوان بهترین‌ها، فقط ۱۲ بازی را قضاوت کردند. با دستمزد ۵ میلیونی برای هر بازی، یعنی سرشناس‌ترین داوران لیگ نهایتاً ۶۰ میلیون درآمد از قضاوت بازی‌ها کسب خواهند کرد. جالب اینکه همین رقم نیز به‌موقع پرداخت نمی‌شود. این موضوعی است که خودش به اندازه پایین بودن دستمزد داورها آزاردهنده به‌نظر می‌رسد.

یک تفاوت فاحش

میزان نسبت دستمزد داوران به بازیکنان در فوتبال ایران از هر نقطه دیگری در دنیا کمتر است. برای مثال، در کشوری مثل انگلیس داوران سالانه بین ۴۶ تا ۵۰ هزار یورو درآمد دارند. درآمد متوسط هر بازیکن نیز ۳۵ میلیون یورو برای هر فصل است. در حقیقت دستمزد سالانه داورها ۱۴ صدم دستمزد بازیکنان به‌شمار می‌رود. در ایران اما اگر دستمزد متوسط داورها را ۳۰ میلیون تومان و دستمزد متوسط بازیکنان را ۱۰ میلیارد حساب کنیم، هر داور ۳ هزارم یک بازیکن حقوق می‌گیرد. این تفاوت در فوتبال ایران بیش از حد پررنگ به‌نظر می‌رسد.

ابزاری که وجود ندارد

مشکل داوران در فوتبال ایران، فقط پول نیست. در این فوتبال حتی ابزار کافی برای قضاوت بازی‌ها در اختیار داوران قرار نمی‌گیرد. نه وی‌ای، آر وجود دارد و نه حتی گوشی داورها استاندارد به‌نظر می‌رسد. داوران در فوتبال ایران به‌شدت تنها هستند و معمولاً در مواجهه با هر اتفاقی، سبیل انتقادها می‌شوند. بعد از کار در معدن، دآوری در لیگ برتر سخت‌ترین شغل ممکن به‌نظر می‌رسد!

فوتبال ایران

حق گمشده!

موضوع حق پخش تلویزیونی یک‌بار دیگر به سوزه روز در فوتبال ایران تبدیل شده است. رئیس سازمان خصوصی‌سازی اخیراً روی آنتن زنده تلویزیون، باز هم اختصاص حق پخش به باشگاه‌ها را یک ضرورت مهم دانسته است. این یکی از شعارهای مهم مهدی تاج برای بازگشت قدراسیون فوتبال هم بود اما این روزها حداقل قدراسیون این موضوع را کاملاً فراموش کرده است. ماجرای حق پخش، بالاخره چه زمانی تمام می‌شود؟ موضع تلویزیون در این مورد چیست؟ آیا اهاکار می‌شود؟ همیشه برای راضی نگه‌داشتن همه طرفین این ماجرا وجود دارد؟

یکی از مزیت‌های مهم پدیده‌ای مثل حق پخش تلویزیونی، مشخص شدن تمایزها بین تیم‌های مختلف است. مثلاً تیمی که فصل را در رده بالاتری تمام می‌کند، باید برای فصل جدید حق پخش بیشتری داشته باشد. از این گذشته، تیمی که هوادار زیادی دارد و تماشاگران خواهان دیدن بازی‌اش هستند نیز باید حق پخش بیشتری نسبت به سایرین بگیرد. پس موفقیت در زمین و داشتن هوادار در بیرون زمین، ملاک‌های مهم دریافت حق پخش هستند؛ ماجرای که خودش یک سنگ محک خوب برای سنجیدن تیم‌های مختلف خواهد بود. با این حال، فعلاً چنین تمایزی بین تیم‌ها در این زمینه در نظر گرفته نمی‌شود.

موضوع صداوسیما این است که ماجرای حق پخش در فوتبال ایران، حقیقتاً کمکی از دولت به دولت است؛ چرا که بیشتر باشگاه‌ها مالکیت دولتی دارند. خود مهدی تاج هم مدتی قبل گفته بود که یک باشگاه صنعتی با تزریق صدها میلیارد تومان در هر سال از سوی دولت، نباید از تلویزیون دولتی هم پول دریافت کند. با این حال، تکلیف سایر باشگاه‌ها در این زمینه چه می‌شود؟ یک باشگاه خصوصی مثل تراکتور، چرا باید قربانی این اتفاق شود؟ پرسپولیس و استقلال ساعت‌ها آنتن تلویزیون را بر می‌کنند و برای رسانه مخاطب می‌آورند اما هیچ درآمدی در این زمینه ندارند.

تگرایی بعدی در مورد حق پخش، عملکرد مدیران فوتبال ایران است. ماجرای بورس تأثیر مثبتی روی فوتبال ایران نداشته است؛ فقط رقم قراردادها در استقلال و پرسپولیس به شکل وحشتناکی بالا برد. این داستان نباید در مورد حق پخش تکرار شود. در حقیقت چنین درآمدهایی باید زیرساخت‌های باشگاه را عوض کند اما مدیران فوتبال ایران متخصص به‌باد دادن این درآمدها در کمترین زمان ممکن هستند!

این وضعیت خواهد بود؟ مدیرانی که دیگر در استقلال نیستند؟ مقصرتی که اگر قرار باشد همین حالا درباره کارشان توضیح بدهند، بدون شک از موضع طلبکار به این ماجرا می‌پردازند.

بزرگ‌ترین ضربه به استقلال

اما کاری‌ترین ضربه به استقلال، فقط در قراردادها نبود. کاری‌ترین ضربه، خدشه‌دار شدن حیثیت بین‌المللی باشگاه بود. حالا مدیران ساستا کلا را و فوتبال برتغال، در مورد استقلال چه فکری می‌کنند؟ مدیران الاهلی امارات، چه ذهنیتی از فوتبال ایران دارند؟ استقلال در دوران این ۳ مدیر از نظر حرفه‌ای در جهان فوتبال بی‌اعتبار شده و این مسئله برای مدتی همراه باشگاه خواهد بود. طبیعتاً زمان می‌برد تا آبی‌ها بتوانند این تگرایی بزرگ را بر طرف کنند. زمان می‌برد تا باشگاه به تیم تصویر ویران شده‌اش بپردازد. این شاهکار مدیرانی است که بدون شک، قاتلان بزرگ باشگاه استقلال بوده‌اند؛ آنهایی که این تیم را به بیراهه دلخواه‌شان کشاندند.

بدهی‌هایی که نتیجه خوش‌خیالی آجورلو در زمان امضای قراردادها بوده‌اند.

جواهرات از دست رفته

تأثیر بعدی دوران مدیریت آجورلو و ۲ مدیر بعدی استقلال هم، از دست رفتن ۲ ستاره بسیار مهم این تیم است. اول از همه آجورلو با رقمی این آزارکن را جذب کرد که می‌توانست رقم نهایی خرید قطعی آنها باشد. این پول سنگین اما تنها صرف جابه‌جایی قرضی این نفرات شد. فتح‌الله‌زاده هم رسوایی فیش جعلی را به‌وجود آورد. اگر آن پرداخت نهایی ۱۴۰ هزار دلاری انجام می‌شد، محبی بدون هیچ مشکلی هنوز هم بازیکن استقلال بود. فتح‌الله‌زاده هرگز این پرونده را نبست و حجت کریمی نیز با بدقولی‌های مکرر به الاهلی امارات، عملاً جلوی بازگشت مهدی قائدی را گرفت. حالا باشگاه اماراتی حتی حاضر به مذاکره با استقلال و باشگاه‌های دیگر فوتبال ایران بر سر قراردادی نیست چراکه فقط شاهد بدقولی از آبی‌ها بوده است. حالا چه کسی پاسخگوی

رقمی را به‌عنوان رقم رضایتنامه او طلب کرد. شاید خود باشگاه اماراتی هم متعجب شده بود که به همین سادگی سرمربی تیم قهرمان لیگ برتر ایران را به خدمت گرفته است. مدیر عامل استقلال اما به‌صورت هم‌زمان در حال امضای قرارداد‌های نجومی با بازیکنان تیم بود. اینکه بازیکن نیمکت‌نشینی مثل آرمان رضایی در این باشگاه درآمد ۱۴ میلیاردی داشته، نشان می‌دهد مدیران استقلال چندان فوتبال تماشا نمی‌کرده‌اند. به هر حال، این رقم‌های سنگین و باورنکردنی، حالا به شکل تعهد روی دست باشگاه مانده است. بازیکنان از این شاک می‌هستند که درصد کمی از رقم قراردادشان را گرفته‌اند، اما هیچ‌کس توضیح نمی‌دهد که چرا رقم اولیه قراردادها تا این اندازه بالا رفته است. آجورلو کاری کرد که حتی یک گلر ذخیره در استقلال، میلیارد‌ها تومان دستمزد بگیرد؛ بدعت غلطی که بدون شک در فصل جدید نیز تأثیر قابل‌توجهی روی استقلال خواهد گذاشت. شاید چند سال زمان ببرد که استقلال موفق شود همه این بدهی‌های نجومی را پرداخت کند؛

کشف هویت آنهایی که استقلال را به این حال و روز انداخته‌اند، نیازی به استفاده موسیو پوآرو یا شرلوک هولمز ندارد. تقریباً واضح است که چه کسانی در یک سال گذشته استقلال را به لبه پرگاه نزدیک کرده‌اند. از فیش جعلی ارسال شده برای باشگاه پرتغالی در پرونده قرارداد قرضی محمد محبی تا بدقولی‌های ادامه‌داری که موجب شده باشگاه الاهلی بر سر مهدی قائدی حتی با باشگاه‌های ایرانی دیگر مذاکره نکند، فقط بخشی از ماجراهای تلخی هستند که سال اخیر به‌نظر می‌رسد ترکش‌های به‌جامانده از دوران مدیریت این افراد، به مرور زمان در استقلال اثر می‌کند و به این زودی‌ها هم تأثیرش را از دست نمی‌دهد.

زخم‌هایی از چند قرارداد

تابستان گذشته مصطفی آجورلو مدیر عامل باشگاه استقلال بود، فرهاد مجیدی تیم قهرمان لیگ را ترک کرد و مدیر عامل باشگاه، نه مانع رفتنش شد و نه حتی